

شباهت واژه‌ها در زبانهای فارسی و انگلیسی

حسین ملانظر

زبان درختی می‌ماند که ریشه دارد و رشد می‌کند. شاخ و برگ تازه می‌یابد. رشد درخت زبان به دو شیوه اصلی صورت می‌گیرد یکی درونی، دیگری بیرونی یعنی با پیوند خوردن با شاخه و جوانه درختی دیگر. برخی این پیوند با بیرون را طبیعی نمی‌پندارند و با آن مخالفت می‌کنند. یکی از دلایل آنها این است که این تداخل می‌تواند ماهیت و طبیعت تنه اصلی زبان را از بین ببرد و در نتیجه رابطه وضعیت فعلی زبان با گذشته آن قطع شود.

دو زبان فارسی و انگلیسی چون عضو خانواده زبان هند و اروپایی هستند و نیز به دلیل وامگیری از یکدیگر (و یا از زبانهای واسطه دیگر)، شباهتهایی در واژه‌های آنها یافت می‌شود. این مقاله با ذکر مثالهایی، علل شباهت واژه‌ها در دو زبان را بررسی می‌کند. همچنین در مورد امکان استفاده از این شباهتها و نحوه آن بحث می‌کند.

در فرآیند یادگیری یک زبان خارجی، فراگیران خیلی زود متوجه شباهتهای واژگانی بین زبان مادری و زبان خارجی می‌شوند و گهگاه دلایل این پدیده و امکان استفاده از این شباهتها را پی‌جویی می‌کنند.

۱- علت و ریشه این شباهتها در کجا قرار دارد؟

پنج حالت برای ریشه این شباهتها متصور است:

الف - زبان فارسی از زبان انگلیسی به طور مستقیم یا با واسطه برخی از واژه‌ها را وام گرفته است. که آنها را واژه‌های دخیل انگلیسی در فارسی می‌نامند.

ب - زبان انگلیسی از فارسی به طور مستقیم یا با واسطه وام گرفته است، یعنی واژه‌های دخیل فارسی در انگلیسی هستند.

ج - فارسی و انگلیسی هر دو، واژه‌های شبیه را از زبان سومی وام گرفته‌اند.

د - برخی از این واژه‌ها از ریشه مشترک هر دو زبان نشأت گرفته است و نشانگر این واقعیت است که این دو زبان از خانواده زبانه‌های هند و اروپایی هستند.

ه - برخی از شباهتهای موجود اتفاقی است و هیچ رابطه تاریخی را نشان نمی‌دهد.

در سه حالت اول، فرآیند وامگیری (borrowing) صورت می‌گیرد و این واژه‌ها را واژه‌های دخیل (loan words) می‌نامند. قدمت این واژه‌های دخیل و زبانه‌های واسطه که از طریق آنها این واژه‌ها وارد فارسی یا انگلیسی شده‌اند اهمیت دارد و نشانگر مقاطع تماس تاریخی - فرهنگی بین زبانهاست. در حالت چهارم، "د"، چنین واژه‌هایی را کلمات هم‌ریشه (cognates) می‌نامند.

۲- بررسی این شباهتها چه فایده‌ای می‌تواند در بر داشته باشد؟

الف - با شناخت ریشه‌های تاریخی واژه‌ها (etymology)، میزان تأثیرپذیری دو زبان از یکدیگر، قدمت واژه‌های دخیل و علت و طبیعت وامگیری و زمینه‌های وامگیری، تاریخچه تماسهای فرهنگی دو زبان روشن می‌گردد.

ب - در ترجمه و شناخت ظرایف معنایی واژه‌ها می‌تواند مؤثر باشد.

ج - در آموزش زبان انگلیسی به ایرانیان (و یا آموزش زبان به خارجی‌ان)، استفاده از واژه‌های شبیه در مراحل ابتدایی احتمالاً می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد. این فرضیه را می‌توان موضوع تحقیق قرار داد.

د - اگر قرار باشد زبان فارسی از واژه‌های "بیگانه" پاکسازی شود، نخست لازمست آن واژه‌های بیگانه را شناسایی کرد سپس با توجه به طبیعت تاریخی و امگیری مشخص کرد که به چه واژه‌هایی نیاز نیست یا اصولاً می‌توان برای آنها جایگزین قرار داد.

در اینجا مناسب است که تعریفی کلی از واژه‌های "بیگانه" ارائه شود:

"واژه‌های بیگانه بخشی از واژه‌های دخیل هستند که به تازگی یعنی کمتر از پنجاه شصت سال است که وارد زبان ما شده‌اند و طبیعت آوایی زبان فارسی را به خود نگرفته و شکلهای صرفی مختلفی در فارسی نیافته‌اند."

لازمست برای چنین واژه‌هایی یا شناسنامه فارسی صادر کرد و به تابعیت زبان فارسی درآورد (naturalisation) و یا آنها را مازاد بر نیاز تشخیص داد و غریبه شمرد.

۳- معیار و روش انتخاب واژه‌های شبیه کدام است؟

نخست با دو معیار ذیل مجموعه‌ای از واژه‌های شبیه مشخص می‌گردد که فرضاً ارتباط تاریخی با یکدیگر دارند.

الف - واژه‌ها باید هم‌معنا باشند یا دست کم قرابت و ارتباط معنایی با یکدیگر داشته باشند.

ب - دست کم دو حرف بیصدا در هر دو واژه (در فارسی و انگلیسی) یکی باشند یا شبیه باشند.

پس از تعیین مجموعه واژه‌های "فرض" شبیه، نوبت بررسی تاریخی این واژه‌ها به کمک کتابهای مرجع است. در این مرحله، تغییر و تحول در آوهای واژه و همچنین در معنای واژه مشخص می‌گردد. در اینجا معیار سوم برای نگهداشتن یا حذف واژه از

مجموعه "واژه‌های بفرض مرتبط" به دست می‌آید.

ج- در صورتی که به لحاظ آوایی و معنایی بین دو واژه شبیه در دو زبان همگرایی وجود داشته باشد (یعنی هر چه به شکل‌های قدیمی‌تر این دو واژه در دو زبان می‌رسیم، به لحاظ آوایی و معنایی نزدیکتر می‌شوند)، احتمال یکی بودن این دو واژه بیشتر می‌شود. و بر عکس، در صورتی که در بررسی تاریخی، این دو واژه از یکدیگر واگرایی نشان دهند، از مجموعه واژه‌های بفرض مرتبط حذف می‌گردند.

این بررسی می‌تواند به نتیجه قطعی برسد: یعنی یا زبان وام‌دهنده مشخص می‌شود یا اصل واژه در ریشه مشترک تعیین می‌گردد. و یا ناقص باشد یعنی این دو واژه اگر چه همگرایی معنایی و آوایی دارند، به یک زبان وام‌دهنده یا ریشه مشترک نرسیده‌اند که لازمست بررسی ادامه یابد. ضمناً در این بررسی تاریخی می‌توان قواعد تغییر و تحول آوایی را که دارای نظم خاصی هستند و پیوسته در واژه‌ها تکرار شده‌اند به دست آورد. در اینجا، نتیجه بررسی در مورد برخی از واژه‌ها در دو حوزه معنایی "جانوران" و "خوردنیها" به طور نمونه ارائه می‌گردد.

الف - جانوران

انگلیسی	فارسی	نزدیکترین نقطه مشترک	زبان وام دهنده	ریشه مشترک در سانسکریت
beaver	ببر			babhru
bulbul	بلبل		عربی	
canary	قناری		لاتین	
cancer	خرچنگ / سرطان		karzang: پهلوی	karkata
chinchilla	چین چینلا		اسپانیولی	
cow	گاو			go
crab	عقرب / خرچنگ	OHG: krāwa	یونانی	
crow	کلاغ / غراب			
gazel	غزال		عربی	
giraffe	زرافه	ON: gās	عربی	
goose	غاز			
jachkal	شغال		فارسی	šrgāla
monkey	میمون		عربی	
mouse	موش			mūṣ
mynah	مینا		هندی: mainā	madana
octopus	اختاپوس		یونانی	
panther	پلنگ	OE: hrōst		pundarīka
rooster	خروس	شباهت دارد. psar: یونانی		(به معنای لبه)
sparrow	سار		بام؛ با واژه هره	

OHG: Old High Germanic; ON: Old Norse; OE: Old English

ب - خوردنیها

انگلیسی	فارسی	نزدیکترین نقطه مشترک	زبان وام دهنده	ریشه مشترک در سانسکریت
aubergine	بادنجان		عربی	khandaka
bellota	بلوط		عربی	
candy	قند		عربی	
caviar	خاویار		ترکی: havyar	
coffee	قهوه		عربی	šrngavera
cucumber	خیار شنبدر		یونانی	
ginger	زنجبیل / زنجفیل		یونانی zingiberi	
ginger	شنگویر			
julep	گلاب		فارسی	nargileh/narghile
lemon	لیمو		لیمون : عربی	
nargil	نارگیل		فارسی	
orange	نارنگ / نارنج		فارسی	
pepper	فلفل		یونانی: peper	nāraṅga
pistachio	پسته		فارسی	pippali
pizza	پیتزا		ایتالیایی	ṣarkarā
raisin	رز	rhax : یونانی		
saffron	زعفران		عربی	
sherbet	شربت		عربی	
spinach	اسفناج		عربی	
sugar	شکر		فارسی	
sumac	سماق		عربی	
syrup	شراب		عربی	
tamarind	تمر هندی		عربی	
taragon	ترخون		عربی	
tea	چای		چینی: ch'a	

همچنین حدود پنجاه واژه دخیل فرانسوی (موجود در انگلیسی) و انگلیسی، در حوزه‌های معنایی ذکر شده در بالا، در فارسی وجود دارد که خواننده محترم می‌تواند آنها را در کتاب "فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی" ملاحظه کند.

منابع و ماخذ

- ۱- احمد سلطانی، منیره. واژگان فارسی در زبانهای اروپایی. مؤسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۲.
- ۲- دیهیم، گیتی. واژه‌های دخیل فارسی در فرانسه. مجله فرهنگ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، زمستان ۱۳۷۱.
- ۳- جلالی نائینی، سید محمد رضا. فرهنگ سنسکریت فارسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۴- زمردیان، رضا. فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- ۵- سجادیه، محمد علی. واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی. تهران: انتشارات بنیاد نیشابور، بی.ت.
- ۶- صفت‌کار حقی، جمشید. ریشه‌های یونانی. چاپ مهارت، ۱۳۷۲.
- ۷- طاهر، غلامرضا. فرهنگ لغات طبی یونانی در کتابهای فارسی. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- ۸- غفاری، سیف. واژه‌شناسی. امیر کبیر، ۱۳۵۰.
- ۹- فراسیون، مسعود. شرحی بر واژه‌شناسی انگلیسی. اصفهان: چاپخانه ربانی، بی.ت.
- ۱۰- مکنزی، د. ن. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.